



۷

جهانگیری:

ادعای آمریکایی‌ها
در باره عدم تحریم
غذا و دارو دروغ است

۲

نگاهی به کارنامه
علی اکبر مختاری؛
تنها نماد
«عدالت»

۸

رسانه مستقل

روزنامه

دنیای سه‌وا دار

www.donyayehavadar.ir

چهارشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۸ - قیمت: ۱۰۰۰ تومان

۴۱۸

در نشست خبری فیلم «درخت گردو» چه گذشت؟

محمدحسین مهدویان: در ابتدای کار
زبان و جغرافیای فیلم برای من ناآشنا بود

یادداشتی بر فیلم درخت گردو اثر محمدحسین مهدویان؛

يك مستند تراژيك

در نشست خبری فیلم آن شب چه گذشت؟

کوروش آهاری: این فیلم ادای دینی
به شاینینگ است!

یادداشتی بر فیلم آن شب اثر کوروش آهاری؛

جنايات و مكافات

یادداشتی بر فیلم درخت گردو اثر محمدحسین مهدویان؛

پختگی و بلوغ در پنجمین تجربه فیلمسازی

نخود هر آش!

جورابت را قورت بده!



دکتر علی ساجدی

اصولا ما جماعت ایرانی اصلا هم سیاسی نیستیم. اصلا هم کار به کار سیاست نداریم. چه داخلی باشد چه خارجی.

مشکل ملت ما فقط در یک جاست؛ جوراب.

جوراب مساله کلانی است

که همچنان در مملکت ما لاینحل باقی مانده. فی المثل پشت در اتاق های خواب هر خانه ای یک جاجورابی بالقوه که نه اصلا بالفعل است. هرکس که از راه برسد اول از همه جوراب هایش را در هم گلوله کرده و سندن فوراردش می کند پشت در اتاق نامبرده. اما با این حال صبح علی الطلوع که عزم رفتن می کنیم جورابهایمان نیست که نیست یعنی هست اما فقط یک لنگه هست. وحالا خر بیابور و باقالی بارکن. گفتم باقالی یاد مسجد افتادم راستی. همین ما ملت همیشه در صحنه، که صبح را بعد از ساعتی دنبال لنگه جوراب گشتن عاقبت یک جفت جوراب تمیز از داخل کشور رخت و لباس بر می داریم و می رویم پی یک لقمه نان حلال، ظهر که می شود برای اقامه صلاه ظهر داخل مسجد می رویم و عطرافشان و دامن کشان پا می گذاریم داخل حرم الهی و در کنار هم اوقات معنوی پر جورابی را بر سر می کنیم که با عود و عنبر هم برطرف نمی شود که نمی شود. و در مسجد هم البته اصلا بحث سیاسی نمی کنیم. و به هیچ جناح و دسته و فرقه ای هم وابستگی نداریم. و یک طوری هم نیست که خیلی از هموطنانمان ترجیح بدهند در خانه نماز فرادا بخوانند تابشوند مثال عینی آیه شریفه من شر حاسدا اذا حسد.

مورد بعدی در خصوص جوراب، مساله ماشین لباسشویی است. کافیتیس یک جفت جوراب یک بار پوشیده خوشگل و خوشبو را داخل این ماشین دوار که عموما در آشپزخانه روشنش می کنیم و وسط سالن پذیرایی خودش خاموش می شود بیاندازیم تا بعد از شستشو یک لنگه جوراب نخ کش نخ نمای لایستعمل -نخ کش البته فحش نیست- تحویل بگیریم. اصلا هم ربطی به واردات ماشینهای لباسشویی خارجی و مونتاژکنی داخلی و بخور بخورهای جماعت مرتبط با واردات کالا و قاچاق و امثالهم ندارد و ما هم ابدا سیاسی نیستیم.

باز اگر از جوراب بخواهیم بگویم می رسمیم به جایگاه و مقام والای پدر که به هر مناسبتی صاحب جورابهای رنگ و وارنگ و دلربا و تمام نخ و شیشه ای و اینها می شود تا شاید جورابهای کف سوراخ جانشستی دارشان را راهی سطل زباله نمایاند انشالله.

مورد دیگر هم که جورابهای پارازین و سه ربع و اینهاست که مشتریهای پروپاقرصشان نه تنها خانومهای سانتیمانتال بزرگ دوزکی، که برخی آقایان سبیل از بناگوش دررفته ایست که از این جوراب ها برای شغل نه چندان شریف دزدی بهره می برند و به جای پا آنها را روی سر مبارک می کشند -البته جوراب پا نرفته- و از دیوار مردم بالا می روند و خانه را حسابی تزو و تمیز می کنند و مال مردم را می خورند و یک لیوان آب هم رویش.

البته دیرزمانی است که مال مردم خوری احتیاج چندانی به جوراب و ماسک و روبنده و امثالهم ندارد و برخی آقایان و ایضا خانم ها خیلی شیک و مجلسی در کمال وقاحت و پررویی همزمان با اشغال مناصب و موقعیت های حساس اداری و حکومتی، به لغت و لیس و هضم و جذب مال مردم بر سر سفره ای که پهن است و سهمشان است و حششان است مشغولند و یک لیوان فلان هم رویش. البته اینها اصلا هم سیاسی نیست.

مخلص کلام اینکه ایرانی جماعت همان پایتی بماند و پای بی جوراب برود توی کوچه و خیابان، اینظوری مساله واردات جورابهای چینی و کرناپی و ورشکستگی تولیدکنندگان جوراب داخلی هم احتمالا یک جوروی رفع و رجوع خواهد شد. تازه برای خود ملت هم بهتر است. اینجوری تنوهایشان هم به خوبی توی چشم می زند و پولی که داده اند به مشاطه گر گرامی جهت نقش آفرینی با آن جوهر و دستگاه های ویژه به هدر نمی رود.

والسلام

خبر اول

جهانگیری:

ادعای آمریکایی ها درباره عدم تحریم غذا و دارو دروغ است



معاون اول رییس جمهوری با بیان اینکه در ده ماهه امسال ۳ میلیارد دلار دارو وارد کشور شده است، گفت: آمریکایی ها دروغ می گویند که برای دارو و مواد غذایی محدودیت ایجاد نمی کنند.

«سحاق جهانگیری» صبح روز گذشته در آیین رونمایی همزمان از طرح های عمرانی ورزشی، رفاهی و نیروگاه های خورشیدی دانشگاه فنی و حرفه ای در سراسر کشور در دانشکده فنی و حرفه ای شریعتی در تهران اظهار داشت: انقلاب در زمان خودش یکی از بزرگترین رخدادهایی بود که در دنیا اتفاق افتاد. ملت بزرگ ایران با دست خالی ولی با اتحاد، همدلی و انسجام و تحت رهبری، رهبر بزرگ انقلاب اسلامی به یک انقلاب بزرگ و مردمی انقلاب را به پیروزی رساندند.

معاون اول رییس جمهوری افزود: انقلاب با جهت گیری اسلامی به دنبال خواسته هایی بود که ملت ایران در طول یکصد سال گذشته همواره در نهضت های مختلف و در حرکت های مختلف به دنبال آزادی، استقلال و پیشرفت و حاکمیت قانون بودند. همه اینها به عنوانی شد که هم بر زبان رهبر انقلاب و هم بر زبان مردم در شهرها، روستاها و اقصی نقاط کشور تکرار می شد.

جهانگیری اضافه کرد: حتماً بعد از گذشت ۴۱ سال از پیروزی انقلاب همچنان ما به دنبال همان برنامه هستیم. ما همچنان به دنبال استقلال، آزادی و توسعه و پیشرفت ایران عزیز هستیم و باید نسبت به نسل اینها دنبال شود که بتوانیم این آرمان ها را محقق کنیم.

معاون اول رییس جمهوری بیان کرد: در منطقه و جهانی که ما قرار داریم یعنی در میان کشورهای جهان سوم یا کشورهای در حال توسعه ای که بتوانند به این آرمان ها و خواسته ها برسند، به معنای واقعی آزادی و حق تعیین سرنوشت با مردم باشد و مردم احساس کنند که روز به روز به سمت آرمان هایی که برای نظامشان در بخش آزادی داشتند بیشتر دسترسی پیدا کنند و اینکه نقش آنها در اداره کشور تعیین کننده می شود و اداره کشور با اراده مردم محقق می شود.

جهانگیری ادامه داد: این در واقع معنای آن این است که ما یک قدم به آن آرمان های اولیه نظام و انقلاب نزدیک شویم و هر چند اگر خدای نکرده در مردم این احساس در مردم به وجود بیاید که آزادی و حرکت به سمت

جهانگیری: حتماً دانشگاه های

کشور به عنوان مهمترین

مراکزی که آسیب شناسی و

بررسی می کنند سال به سال در

مراکز مطالعاتی و پژوهشی شان

روی این نکته متمرکز شوند

که تا چه حد ما نسبت به

آرمان های انقلاب نزدیک شده

و چه دستاوردهایی داشتیم و

اگر اشکالات یا نقاط ضعفی

وجود داشته در کجاها بوده

است که باید بیشتر به آن

رسیدگی کنیم.

می کردند و کسی هم متعرض آنها نمی شد پس ساختاری که این را پیگیری می کند، مهم است.

جهانگیری میزان پیگیری نظارت و دنبال کردن تحریم را مسئله دیگر در این زمینه عنوان کرد و گفت: تا این مرحله جدید این موضوع خیلی در دستور کار دولت ها نبود، گاهی اوقات در برخی کشورها ساختارهایی ایجاد می شد برای مثال در دوره عراق می گفتند پول نفت عراق در حسابی در سازمان ملل برود و از محل آن اجازه داده شود برای مردم عراق غذا تهیه کند. همه آن در کنترل بود. نفت عراق فروخته می شد پول آن در حسابی در سازمان ملل می رفت و از محل آن پول فقط اجازه داده می شد یک سری کالا برای عراق خریداری شود.

وی افزود: در بحث های سیاسی و اقتصادی گفته می شد که می توان کاری کرد که اقتصاد کشور بدون نفت اداره کنیم. علاوه بر این در بررسی هایی که انجام می شود در مسائل اقتصاد بین المللی این حرف جدی بود که کشورهایی که توسعه شان بر مبنای منابع طبیعی بنیاد گذاشته شده است هیچ اتفاق تعیین کننده ای در این کشورها رخ نداده است. الا کشوری استثنایی چون نروژ که به رغم داشتن منابع غنی نفت و فروش نفت، اقتصادش را بدون درآمدهای نفت بنا گذاشته و نفت آن در صندوق توسعه ملی و سرمایه گذاری می شود.

جهانگیری ادامه داد: کشورهای نفتی منطقه منابع نفتی زیرزمینی را می فروشند کالا وارد و مصرف می کنند. ما امروز در ایران عملاً تحت فشار به این نتیجه رسیدیم که در اقتصادمان، سهم نفت باید به حداقل برسد. البته از مدت ها قبل در دولت خاتمی حساب ذخیره ارزی درست کردیم که با دستور رهبری به صندوق توسعه ملی تبدیل شد و قرار شد بخش عمده ای از منابع نفت برای کارهای بزرگ، توسعه به صندوق توسعه ملی و بخشی از آن هم در امور جاری برود و به مرور از آن درصد بودجه کم و درصد صندوق توسعه اضافه شود. وی گفت: اگر شرایط ما خوب بود الان باید ۳۷ درصد بودجه به صندوق توسعه ملی می رفت و در بودجه می آمد و این نسبت تکرار می شد و در نهایت سهم نفت کم می شد. عملاً از ارسال و امسال با فشارهای آمریکایی ها سهم نفت در بودجه بسیار ناچیز شده است.

جهانگیری خاطر نشان کرد: آمریکایی

ها واقعا دروغ می گویند که برای دارو

و مواد غذایی ایران محدودیت درست

نمی کنیم. ما خودمان میلیارد ها دلار پول

در کشورهای مختلف مانند کره جنوبی،

ژاپن و خیلی از کشورهای دیگر داریم. اما

از محل پول خودمان یک دلار نمی توانیم

برای خرید دارو و مواد غذایی جابجا

کنیم و آمریکایی ها اجازه نمی دهند.

وی گفت: این همه تبلیغات راه انداختند، سوئیسی ها که بانکی چند میلیون دلاری که در آن داشتیم زحمت کشیدند و دو میلیون دلار داروی بیمار سرطانی اجازه دادند از آن محل بانک بتواند تسویه کند.

معاون اول رییس جمهوری افزود: ما در سال جاری تا الان نزدیک به ۳ میلیارد دلار دارو وارد کشور کردیم. اعدادی که می گویند شوخی است یا کشور ایران را نشانخند و یا اقتصاد ایران متوجه نیستید چیست.

آزادی و دخالت مردم و تعیین سرنوشت به دست مردم کم رنگ تر می شود. مردم مایوس می شوند و احساس می کنند که از آرمان ها فاصله گرفته اند.

وی در ادامه درباره موضوع استقلال از ابتدای انقلاب گفت: بحث هایی درباره اینکه مداخلات خارجی و حضور خارجی ها در سرنوشت کشور نباید وجود داشته باشد، اقتصاد کشور باید قادر باشد روی پای خودش بایستد. ایران باید بتواند حرف خودش را در مجامع مختلف بر کرسی بنشانند و حرف خودش را بزنند و آنچه که اراده مسئولین کشور است را در جاهای مختلف محقق کند، مطرح بود.

جهانگیری افزود: حتماً دانشگاه های کشور به عنوان مهمترین مراکزی که آسیب شناسی و بررسی می کنند سال به سال در مراکز مطالعاتی و پژوهشی شان روی این نکته متمرکز شوند که تا چه حد ما نسبت به آرمان های انقلاب نزدیک شده و چه دستاوردهایی داشتیم و اگر اشکالات یا نقاط ضعفی وجود داشته در کجاها بوده است که باید بیشتر به آن رسیدگی کنیم.

معاون اول رییس جمهوری با اشاره به تحریم های آمریکا علیه ملت ایران گفت: همه می دانند تحریمی که مبدع، مصوبه و پشتیبان آن شورای امنیت باشد، تحریم سخت تری است، به دلیل این که تمامی کشورها ملزم به اجرای تحریم می شوند و کشوری نمی تواند از آن تخطی کند و در این صورت با مصوبات شورای امنیت روبرو می شود.

جهانگیری اضافه کرد: خیلی از کشورها در تحریم هستند به همین دلیل ممکن است تفاوت در نحوه اجرای تحریم ها باشد.

معاون اول رییس جمهوری افزود: موضوع دوم این است که این تحریم که وضع شود چه تحریم آمریکا باشد، چه اتحادیه اروپا یا شورای امنیت وضع می کند، چه کسی، چه دستگاهی و چه سازمانی پیگیری اجرای این تحریم ها است. در مقطعی ما خودمان با تحریم مواجه بودیم. نفت ایران از اول انقلاب تحریم بود ما هیچ وقت احساس نمی کردیم که برای تولید و فروش نفت مانع می هستیم. آمریکایی ها نمی خریدند، برخی کشورهای اروپایی نمی خریدند ولی ده ها و صدها مشتری دیگر می آمدند و می خریدند. برخی از شرکت ها نمی آمدند در نفت ایران سرمایه گذاری کنند ده ها شرکت دیگر می آمدند سرمایه گذاری

جهانگیری گفت: در همین شرایط تحریم که به این سختی اعمال می شود، مسئولین ایران، مخصوصاً بخش خصوصی و فعالان اقتصادی حجم تجاری که الان با دنیا دارد در ۱۰ ماه گذشته بیش از ۷۰ میلیارد است. بالاخره روش هایی داریم اقتصاد ایران اقتصاد بزرگی است و این اقتصاد بزرگ را نمی شود حبس کرد نمی توان با آن مبارزه کرد.

معاون اول رییس جمهوری در بخش دیگری از اظهاراتش با اشاره به نحوه اداره اقتصاد ایران به عنوان یکی از بزرگ ترین اقتصادهای دنیا گفت: پیاداست که یکسری کالاهای صنعتی دیگری در کشور تولید شده که کالاهایی است که امروز به همه اقصی نقاط دنیا صادر می شود، ارز حاصل آن به کشور می آید و اقتصاد کشور با آن اداره می شود.

وی افزود: در بحث های سیاسی و اقتصادی گفته می شد که می توان کاری کرد که اقتصاد کشور بدون نفت اداره کنیم. علاوه بر این در بررسی هایی که انجام می شود در مسائل اقتصاد بین المللی این حرف جدی بود که کشورهایی که توسعه شان بر مبنای منابع طبیعی بنیاد گذاشته شده است هیچ اتفاق تعیین کننده ای در این کشورها رخ نداده است. الا کشوری استثنایی چون نروژ که به رغم داشتن منابع غنی نفت و فروش نفت، اقتصادش را بدون درآمدهای نفت بنا گذاشته و نفت آن در صندوق توسعه ملی و سرمایه گذاری می شود.

جهانگیری ادامه داد: کشورهای نفتی منطقه منابع نفتی زیرزمینی را می فروشند کالا وارد و مصرف می کنند. ما امروز در ایران عملاً تحت فشار به این نتیجه رسیدیم که در اقتصادمان، سهم نفت باید به حداقل برسد. البته از مدت ها قبل در دولت خاتمی حساب ذخیره ارزی درست کردیم که با دستور رهبری به صندوق توسعه ملی تبدیل شد و قرار شد بخش عمده ای از منابع نفت برای کارهای بزرگ، توسعه به صندوق توسعه ملی و بخشی از آن هم در امور جاری برود و به مرور از آن درصد بودجه کم و درصد صندوق توسعه اضافه شود. وی گفت: اگر شرایط ما خوب بود الان باید ۳۷ درصد بودجه به صندوق توسعه ملی می رفت و در بودجه می آمد و این نسبت تکرار می شد و در نهایت سهم نفت کم می شد. عملاً از ارسال و امسال با فشارهای آمریکایی ها سهم نفت در بودجه بسیار ناچیز شده است.

یادداشت

دوره ات گذشته ننه زغالی؛
توهین محترمانه به چادری ها
در صدا و سیمای ملی!

شبکه پویا در یکی از برنامه های تولیدی خود اقدام به معرفی و خوانش انیمیشنی از کتاب های کودک منتشر شده در بازار کتاب کرده است.



رضاشاعری

چند روز پیش کتابی از این شبکه با عنوان ننه زغالی سیاه خالی معرفی شد که نظرم را جلب کرد.

درد که یکی نیست، اینکه کتاب توسط نشر معروفی به نام امیرکبیر چاپ شده یک درد است، اینکه همان کتاب با فراوری و پویا نمایی از رسانه ملی پخش شود درد دیگر...

در ذهن ما بچه های دهه شصتی که از قضا خانواده مان سنتی است، ننه یک پیرزن مهربان و نجیب و قصه گوست که اتفاقاً به تمیزی و مطهرات و غیره حسابی قائل است... اما در این کتاب و انیمیشن که نامش ننه زغالی سیاه خالی است داستان عجیبی روایت می شود که قطعاً بر ضمیر ناخودآگاه کودکان عزیزمان نقش خواهد بست... خانم زغالی و سیاه روی قصه! می بیند که زمستان شده و به دل خیابان می زند و در میانه راه آدم برفی را می بیند و وارد گفت و گو می شود، ننه میگوید چرا چشمانت زغالی نیست؟ آن وقت آدم برفی که سفید و شیتان پیتان است، حسابی می خندد و بعد هم سوار بر اسکوتر! می گوید:

دوره ات گذشته ننه زغالی!

اگر من زغال بزارم زشت می شوم کسی بهم شال نمیده و... و پوست کنده اش این است که، یعنی زن ها اگر سرخاب سفیداب کنند بیشتر خریدار دارند! تا اینکه چادر چاقچور کنند. بعد ننه که حسابی دلش شکسته می رود و چند دقیقه بعد، داستان رفتگر محله او را با خود می برد و در آتش می اندازد تا گرم شود!!! همین قدر سخیف! قصه اما با سرخ شدن تازه شروع می شود، همه جا با ننه زغالی سرخ خالی گرم شد... خواستم دستم مریزاد بگویم...

نه لزوماً به مسئولان صدا و سیما چون دیگر کار از این حرف ها گذشته، یعنی خواستم به همه آنهاپی که به جای ترویج درست سبک زندگی و تأکید بر مادری و خانه داری و ازدواج مطلوب دخترها، چیزهای دیگری را به عنوان اولویت آنها مطرح می کنند.

پن: نیازی به گفتن نیست شاید... که وقتی سبک زندگی درست را از زنان یک جامعه بگیری و اولویت های جعلی درست کنی، آن وقت بازار کار خاله ها و قوآدها گرم می شود و آتش تجرد و پیری و بی نشاطی و هزارتا بلای دیگر مثل طاعون دامن جامعه را می گیرد، تحت تأثیر قرار گرفتن «نسل های نیامده» با این دزدی محترمانه نوامیس هم هیچ!



۲- الهام شیخان (مدرس و مشاور رفتارشناسی و شخصیت شناسی)
۳- سیدرضا اطمیابی (تحلیلگر و برنامه ریز ذهن)
۴- افروز قیصر (مدرس و مربی ارتباط موثر و زبان بدن)
به ارائه نکاتی کلیدی (بارویکرد علمی - کاربردی) به ترتیب در موضوعات:
الف- آشنایی با اصول بنیادین کارآفرینی و راه اندازی کسب و کارهای موفق (تقریباً بدون سرمایه)
ب- آشنایی با شیوه فروش حداکثری با تکیه بر تیپ های رفتاری - شخصیتی مشتریان

در یک روز؛

همایش الگوهای ذهن ثروت ساز برگزار می شود

گروه آموزشی مشاوره های «ساکور» با همکاری ستاد هماهنگی کانون های فرهنگی هنری مساجد استان تهران همایشی با عنوان «الگوهای ذهن ثروت ساز» در پنجشنبه مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۰۸ در محل تهران - جنت آبدشمالی با هدف بهره گیری حداکثری از پتانسیل ها و سرمایه های درونی به منظور کارآفرینی یا رونق و توسعه کسب و کار و همچنین بهبود روابط فردی در روابط زندگی و شغلی، برگزار می نماید (بدون محدودیت سنی، جنسیتی، تحصیلاتی و شغلی).
در این همایش یک روزه (۱۰۰٪ رایگان) چهار نفر از اساتید بنام و صاحب تجربه در حوزه های مختلف: کسب و کار، رفتارشناسی، تحلیل ذهن و ارتباطات موثر:
۱- دکتر علی قوامی (مدرس و مشاور کسب و کار)



گروه آموزشی - مشاوره های ساکور

۱۰۰٪ رایگان

همایش یک روزه

الگوهای ذهن ثروت ساز



افروز قیصر
مدرس و مربی
ارتباط موثر و زبان بدن



الهام شیخان
مدرس و مشاور
رفتارشناسی و شخصیت شناسی



سیدرضا اطمیابی
تحلیلگر و برنامه ریز ذهن



دکتر علی قوامی
مدرس و مشاور کسب و کار

پنجشنبه ۸ اسفندماه ۱۳۹۸
ساعت ۱۴ الی ۱۸

ثبت نام (دبیر خانه همایش):
۲۲۱۶ ۸۸۳۹ - ۰۲۱

در این همایش حرف های تکراری از بیل گیتس و وارن بافت و اساتید موفقیت نخواهید شنید بلکه آموزشهایی کاملاً کاربردی و بومی سازی شده برای موفقیت در بازار ایران را می آموزید

آگهی مزایده اموال غیر منقول دستور فروش نوبت دوم

به موجب پرونده اجرایی کلاسه ۹۸۰۲۵۴ صادره از شعبه ۹ دادگاه حقوقی کرج له رقیه نوری قهرمانی و غیره علیه سیف علی نوری مبنی بر فروش ملک مشاع غیر قابل افراز یک واحد بصورت قولنامه از پلاک ثبتی ۲۶۲۷ فرعی از ۱۶۹ اصلی طبقه پنجم بدون پارکینگ و انباری لذا ملک از زبانی شده و مقرر گردید که در مورخ ۹۸/۱۲/۴ ساعت ۹ الی ۱۰ صبح در محل اجرای احکام مدنی شعبه ۹ دادگاه حقوقی کرج از طریق مزایده بفروش برسد مزایده از قیمت ۱/۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال طبق نظریه کارشناسی شروع می شود و به هر شخص حقیقی و یا حقوقی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نماید فروخته خواهد شد. ده درصد وجه مزایده فی المجلس بصورت وجه نقد و یا چک بانکی تضمینی از خریدار اخذ و الباقی ظرف یک ماه از وی وصول و پس از انجام مراحل قانونی صدور حکم تملیک مورد مزایده به نام خریدار منتقل خواهد شد. در صورتی که در مهلت مقرر خریدار وجه مزایده را پرداخت ننماید، سپرده وی پس از کسر هزینه های مزایده به نفع دولت ضبط و مزایده تجدید می گردد، کلیه هزینه های نقل و انتقال بعهده محکوم علیه است که از محل فروش منتقل خواهد شد. طرفین می توانند ظرف مدت یک هفته از تاریخ مزایده نسبت به نحوه انجام مزایده اعتراض نمایند که در اینصورت تا رسیدگی به اعتراض از سوی دادگاه مورد مزایده به نام خریدار منتقل نخواهد شد. ضمناً طالبین شرکت در مزایده می توانند ظرف ۵ روز قبل از مزایده با اطلاع از مال مورد مزایده بازدید نمایند.

مال مورد مزایده و بهای آن طبق نظر کارشناسی بدین شرح است:
مجتمع دارای اسکلت فلزی نوع سازه سقف ها تیرچه و یونولیت، نمای اصلی سنگ، پنجره ها فلزی (آهنی) دارای آسانسور فاقد پارکینگ و انباری، پوشش دیوار و ورودی ملک در همکف بلکا، پله ها و کف پاگرد ها سنگ است.

با عنایت به محل و موقعیت ملک، مساحت، قدمت، طبقه، امکانات و مصالح مصرفی، راههای دسترسی و نظر گرفتن سایر جهات موثر در موضوع، صرف نظر از هر گونه بدهی و دیون و واگذاری های احتمالی به اشخاص حقیقی، حقوقی، بانکها، شهرداری و غیره و در صورت امکان تحویل بلا معارض ملک و انتقال قانونی ملک به خریدار: ارزش شش دانگ عرصه و اعیان یک دستگاه آپارتمان قولنامه ای (تر که مورد دعوا) به مساحت حدود ۸۰ متر مربع بدون پارکینگ و انباری، مبلغ ۱/۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال معادل یکصد و هفتاد میلیون تومان، تقویم و اعلام می گردد. ۹۸۰۲۵۴

دادورز اجرای احکام مدنی دادگاه حقوقی کرج - خلیل پور

نتیجه شمارش آرای فیلم های نمایش داده شده در روز سوم جشنواره فیلم فجر ۱۴ بهمن ماه توسط ستاد انتخاب فیلم برگزیده از نگاه تماشاگران جشنواره فیلم فجر اعلام شد. فیلم های سه کام حس، آبادان یازده ۶۰، دوزیست، شنای پروانه، روز بلوا، مغز استخوان، خوب بد جلف ۲، درخت گردو، روز صفر و خروج، ده فیلم برتر آرای تماشاگران سی و هشتمین دوره جشنواره فیلم فجر تا روز ۱۴ بهمن ماه اعلام شده است. لازم به توضیح است فهرست فیلم ها بدون اولویت است.

یادداشت هایی بر فیلم آن شب اثر کوروش آهاری؛



۱۱.۵ ★ ☆ ☆ ☆

و ساخت آدم ها و فضاها... نمونه آخری هم که یاد می آید فیلم پارکوی ساخته فریدون جیرانی عزیز است که در حساس ترین بزنگاه های فیلم لحظات کمیکی خلق شدند! همین که این فیلم کمده نشده و بعضا به طرز باورپذیر با دز بالای مای مخاطب را در سالن سینما می ترساند قابل ستایش است. به امید پیشرفت...

به کمک فیلمساز نمی آید؛ همچنین ار جاعتش به شاینینگ استنلی کوبریک. اما فراموش نکنیم که ژانر ترسناک در سینمای ایران سالیان درازی است که خاک می خورد و اگر فیلمسازانی هم طی سالیان درازی اقدام به ساخت چنین اثری کردند، فیلمشان به یک کمده ناخواسته هم تبدیل شده (به علت ممیزی های موجود و ناتوانی فیلمسازان در میزانشن

جنایات و مکافات

صدانگاری بسیار بالاست که بعضا اذیت کننده می شود... آن شب کوروش آهاری فارغ از اینکه فیلم خوب یا بدیست یک گام مهم و رو به جلو برای پیشبرد و ایجاد ژانر مهم ترسناک (به طور کلی دلهره آور، هارور و...) در سینمای ایران محسوب می شود که بر فرمول جنایات و مکافات پیش می رود. اگرچه مسلمان حاصل کار آهاری و گروهش فیلم همه چیز تمامی نیست ولی فضا سازی ای که در خدمت میزانشن سینمایی کار در آمده و شخصیت هایی که اگرچه متاسفانه پرداخت لاغری دارند و به همین جهت بازی های بازیگران به ویژه شهاب حسینی تاثیر و کارکرد ویژه ای ندارد و صرفا به اخم و تغییر میمی با حالات مختلف خلاصه می شود اما تیزهوشی کارگردان در ساخت و به تصویر کشیدن پیش داستان شخصیت ها (خیانت بابک و سقط



مهدی تیموری

نکات مثبت: تلاش مثبت فیلمساز برای نزدیک شدن به ژانر ترسناک، فضا سازی خوب، بازی های روان و قابل قبول و ایجاد ترس با درونی سازی فضای حاکم بر شخصیت ها و استفاده درست از کلیشه ها و...

نکات منفی: شخصیت پردازی قوام یافته نیست، بستن پرونده فیلم با استفاده ابزاری از تابلوی معروف رنه ماگریت اقلع کننده نیست، حجم موسیقی و

تولد دوباره یک ژانر مهجور در سینمای ایران

کارگردانی کوروش آهاری در ایجاد فضای وحشت و درگیر شدن دو شخصیت اصلی در حوادثی که پشت سر هم برایشان اتفاق می افتد، موفق نشان می دهد. آهاری اگر به شخصیت بها بدهد، می تواند آینده درخشانی حداقل در ژانر وحشت داشته باشد. سینمای ایران به شدت به سینمای وحشت نیاز دارد و باید از ساخت چنین فیلم هایی حمایت کرد. از شهاب حسینی توقع بیشتری می رفت که بتواند در فیلم خودنمایی کند. اما متوسط بودن او را به حساب عدم تسلط کارگردان بر بازی ها همانطور که از سکانس ابتدایی چه در میزانشن و چه در گرفتن (و حتی ساختن چند شخصیت) بازی ناتوان نشان می دهد، می توان گذاشت.

بندی داشته باشم، اما به توجه به گره گشایی پایانی، هیچکدام از بخش هایی که فیلم با شخصیت زن جلو می رود و بابک حضور ندارد، عملایی معنی می شود. بیشتر از این نمی توانم بگویم چون دوست ندارم در یادداشت های جشنواره ای داستان فیلم لو بروم و این حق طبیعی سینمادوستان است که از دیدن فیلم لذت ببرند. با توجه به دو ایراد گفته شده که اساسا از فیلمنامه نشأت می گیرد، با یک فیلم اولی قابل تامل در ژانر وحشت مواجه هستیم که در کارگردانی موفق می شود گلیم خودش را از آب بیرون بکشد. منهای فصل اول که از هر لحاظ اختلاف فاحشی با دیگر فصل های فیلم دارد و از تمامی جهات و در بهترین شکل متوسط است، پس از فصل مهمانی،



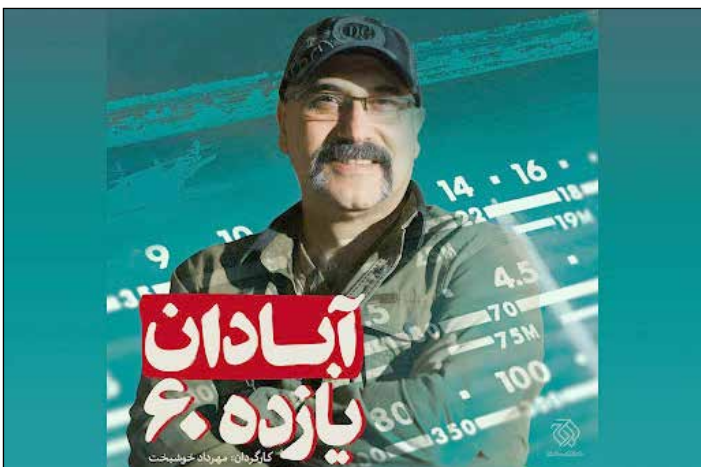
احمد شاهبوند

۱ - طرح و توطئه فیلم «آن شب» اساساً غلط است. فصل اول با یک مهمانی آغاز می شود. هیچ یک از آدم های حاضر در مهمانی را که سه زوج هستند، پرداخت ندارند. مهمان ها مشغول بازی مافیای هستند که این بازی به بی حال ترین شکل ممکن انجام می شود تا جایی که این احتمال می رود فیلمساز هیچ



۱۱.۵ ★ ☆ ☆ ☆

یادداشتی بر فیلم سینمایی آبادان ۱۱۶۰ اثر مهرداد خوشبخت؛



آبادان یازده ۶۰

اکثر قریب به اتفاق تیم بازیگران نیز از هنرمندانی هستند که پیشتر و بیشتر در آثار تلویزیونی به ایفای نقش پرداخته اند و این مساله می تواند در اکران عمومی تاثیرات منفی داشته باشد. فیلم نیاز به تدوین مجددی نیز دارد تا بتواند خوش ریتم تر در اکران عمومی ظاهر شود و البته با همه این تفاسیر همینکه سینمای ایران اکنون اثری مطلوب و درخور از برگی از تاریخ جنگ تحمیلی را در حوزه سینمای مقاومت در کارنامه خود دارد باید شکر گزار بود.

تغییر به احتمال قریب به یقین برای تماشاچی چالش جدی ایجاد می کند. چالشی که اساسا می توانست بوجود نیاید و فیلمساز نیز از گره زدن آرشیو مستند به فیلم پرهیز کند به این دلیل که تماشاچی قرار نیست با یک فیلم جنگی مواجه شود و اصلا قرار نیست جنگ و درگیری را مشاهده کند بلکه مطلوب اینگونه بود و هست که مخاطب و تماشاچی با اثری در حوزه سینمای مقاومت (که البته می تواند ملهم از جنگ باشد) مواجه شود.

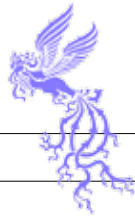
مقاومت رسانه ای در حاشیه جنگ!

نیز ضعفهایی وجود دارد. وقتی قرار است از مقاومت یک گروه رادیویی صحبت شود لازمست تا مخاطب تا حد بسیار زیادی به شخصیت های رادیو آبادان نزدیک شود به ارتباط آنان پی ببرد و در در یک کلام شناسنامه مشخص و کاملی از آنان در دست داشته باشد که در فیلمنامه فعلی به هر شکل چنین مساله ای وجود ندارد. ضمن اینکه پایان بندی اثر نیز بسیار سطحی بوده و به ملودرام بی دلیلی نزدیک می شود تا به نوعی مقوله ایثار و شهادت و شجاعت و جانفشانی را برای رسیدن به هدف و زنده نگه داشتن رادیو منتقل سازد و این بی دلیلی دقیقاً در همین نقطه رخ می دهد. چرا که مفاهیم یاد شده پیش از این در بخش های مختلف قصه به شکل مطلوبی به مخاطب منتقل شده و دیگر نیاز به چنین پایان بندی که حاوی شهادت همه قهرمانان قصه است وجود ندارد. ساختار نیز می توانست خیلی بهتر باشد. یکی از مشکلاتی که در شکل اثر وجود دارد و البته ناشی از سابقه تلویزیونی مهرداد خوشبخت است استفاده از تصاویر مستند دوران جنگ تحمیلی در خصوص حصر آبادان و فتح خرمشهر و غیره است که اثر را از شکل سینمایی صرف تا حد یک مستند داستانی دچار تغییر می کند و این

به ساختمان رادیو آبادان حمله کرد. در نهایت، در زمستان سال ۱۳۶۵ ساختمان و فرستنده آن را بمباران کرد و از کار انداخت، اما جنگ پیر شده بود و فرکانس ۱۱۶۰ رادیو آبادان رسالت خود را انجام داده بود. رادیو آبادان و ماجرای حماسه مردمی کوی ذوالفقاری یکی از بخشهای جذاب و کمتر شنیده و دیده شده دوران دفاع مقدس است و اینبار مهرداد خوشبخت که خود زاده آبادان است در تجربه سینمایی جدیدش به سراغ همین موضوع رفته و آبادان ۱۱۶۰ حاصل این تلاش است که البته در جای خود ستودنی است. جدای از موضوع و مضمون اثر یاد شده یکی از مشکلات فیلمنامه تعدد خرده روایت هایی است که اتفاقاً ما به ازای بیرونی و واقعی داشته و بخشی از این ماجرا را شکل داده اند. داستانها و افرادی که در داستان اسمشان آورده می شود آنقدر زیادند که در برخی بخشهای قصه، خط اصلی به فراموشی سپرده می شود و بیننده به شکل ناخودآگاه در ذهنش به جستجوی نام فرد مذکور یا مسائل مربوط به آن می پردازد و همین عامل سبب دوری حسی مخاطب با قصه می شود. ضمن اینکه در پرداخت شخصیت های داستان

ندا الماسیان طهرانی - عضو انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران

گروهی از کارکنان رادیو نفت آبادان برای حفظ رادیو و مخازن اخبار با هدف مقاومت مردم در برابر دشمن بعثی از تخلیه شهر خودداری کرده و به مدت ۴۰ روز تلاش می کنند تا با فعالیت خود در رادیو شهر را زنده نگه داشته و از این طریق به دشمن خسارت روحی روانی وارد کنند. جوزف گوبلز وزیر تبلیغات نازی که زمانی خبرنگار بود در مقاله ای که در سال ۱۹۳۳ نوشته بود از رادیو به عنوان هشتمین قدرت بزرگ در دنیا نام برده بود. کما اینکه وی از قدرت همین رسانه در جریان جنگ دوم جهانی به ویژه در حوزه عملیات روانی بهره های بسیاری گرفته بود. حال شهری را تصور کنید که رادیو تنها رسانه آن است و در شرایط بحران، تنها مبدا مردم برای دلگرم شدن از خبرها؛ و این مساله دقیقاً همان چیزی است که در روزهای نخست جنگ تحمیلی برای آبادان، مردمش و رادیو آبادان اتفاق افتاد. رادیویی که ابتدا با عنوان رادیو نفت ملی مطرح بود و بعد از فتح خرمشهر با عنوان رادیو آبادان فعالیت کرد. ارتش صدام، بارها از قدرت این رسانه لطمه خورد و بارها



یادداشت هایی بر فیلم درخت گردو اثر محمدحسین مهدویان!

پختگی و بلوغ در پنجمین تجربه فیلمسازی

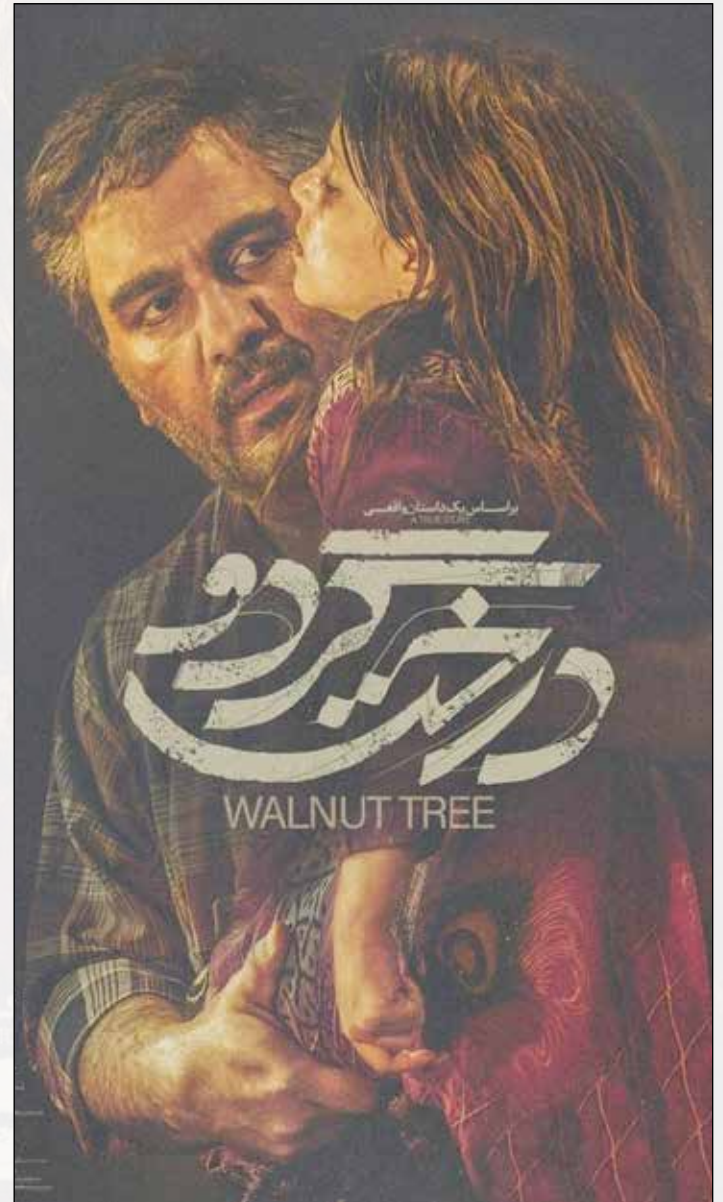
آثار قبلیش نیز ستودنی است و باز هم وقت زیادی برای طراحی صحنه و لباس فیلم صرف شده است. بازی ها هم خوب و قابل تامل است و البته یک پیمان معادی شاهکار دارد که تاکنون به اعتقاد من بهترین نقش دوران زندگی سینمایی اش را در همین فیلم درخت گردو بازی کرده و همچنین بازیگر نقش مریم همسر اوس قادر و البته سه کودک خردسال فیلم و تا حدی نیز مینا ساداتی و صد البته یک بازی بد و نجسب و غیر منطبق بر نقش از سوی مهراڻ مدیری که همچنان انتخاب وی برای نقش دکتر با وجود تلاش بسیار زیاد مدیری به منظور ایفای نقشی متفاوت، برای من و بسیاری دیگر جای سؤال دارد. تدوین، موسیقی متن و فیلمبرداری درخت گردو به ویژه آن صحنه پایانی که در لانگ شات همه مشایعت کنندگان تدفین اوس قادر در میان برف و در یک ستون، درخت گردو که محل دفن قادر و همسر و فرزندانش است را ترک می کنند البته از این صحنه ها کم نیستند در فیلم که سبب می شود تا تماشاگر اثری متفاوت را مشاهده کند.

در مجموع معتقدم آثاری همچون درخت گردو و یا روز صفر که در ردیف آثار استراتژیک و سیاسی سینمای ایران قرار می گیرند می بایست بسیار پیش از این ها ساخته می شدند و به جد اعتقاد دارم فیلمی همچون درخت گردو می بایست حداقل ۲۵ سال پیش ساخته می شد. اگرچه ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است اما توجه سینمای ایران به ساخت آثاری مثل روز صفر و درخت گردو باید از این به بعد دو چندان شود. چرا که ساخت چنین آثاری هم به لحاظ تنوع مضمونی هم به لحاظ استقبال مخاطب و هم به لحاظ ارائه در عرصه های سینمایی و بین المللی یک معامله برد - برد خواهد بود.

دارد و به نظر می رسد در فیلمنامه کمتر به آن توجه شده است تلاش اوس قادر برای یافتن آخرین فرزندش زینا و همچنین تلاش های او برای ادعای دعوی از رژیم بعث و راه یافتنش به دادگاه لاهه است. در واقع قصه و فیلمنامه آنقدر اسیر تلاش قادر برای نجات جان فرزندانش می شود که بخش اعظمی از زمان را به خود اختصاص می دهد و به همین دلیل نیز نویسندگان فیلمنامه ظاهرا مجبور می شوند بدون هیچگونه پرداخت دراماتیکی و بدون کمترین اشاره ای به تلاشهای بشر دوستانه قادر برای رساندن پیام خود به گوش جهانیان، ناگهان زمان را ده بیست سال جلو ببرند و ما قادر را در لاهه ببینیم و پس از آن نیز در یک پرش ده ساله از قصه ما را به زمان مرگ قادر و ابتدای فیلم و زمان حال برگردانند. که تصور میکنم اگر این تعادل منطقی در نگارش فیلمنامه صورت می گیرد و مخاطب می توانست سیر تحول تدریجی یا استحاله قادر را مشاهده کند بسیار بهتر می توانست با کلیت ماجرا کنار بیاید. اما گویا تاکید سازندگان اثر بر گرفتن هرچه بیشتر اشک و آه از سوی مخاطبان و تماشاگران بر همه مسائل مورد اشاره در خصوص فیلمنامه اولویت داشته است.

ساختار نیز مانند ساخته های قبلی مهدویان نشانه های آشنای این فیلمساز را دارد. صحنه های شلوغ و پر تنش و در هم برهم، شلوغی جمعیتی که هراسان و پراکنده اند، شهری که ویران شده هواپیما و هلیکوپتر و غیره همه و همه به نوعی مهر این فیلمساز جوان سینمای است که به گونه ای علاقه اش را به کارگردانی صحنه های لانگ شات و البته پرجمعیت و شلوغ آشکار می سازد. توجه فیلمساز به عنصر تاریخی زمان وقوع داستان مانن سایر

مصطفی محمودی - پنجمین اثر محمد حسین مهدویان در سینمای ایران که با الهام از ماجرای واقعی، در خلال بمباران شیمیایی شهر سردشت شکل گرفته است به زندگی اوس قادر و داستان تار و مار خانواده اش در جریان جنگ تحمیلی توسط رژیم بعث می پردازد. قصه را مخاطب از انتها می بیند و کل داستان در فلاس یک می گذرد. و راوی داستان، «هما» آموزگار روستای محل فاجعه است. ما از آخرین لحظات زندگی «اوس قادر» وارد ماجرایش می شویم و در حالی که مردی بالای سر او قرآن می خواند و بستگانش در حال مویه کردن هستند، داستان از چشم «هما» فلاس یک می خورد به سال ۶۶، جایی که اوس قادر در چند کیلومتری خانه اش در حال بنایی است و همسر باردارش و سه فرزند دیگر در حال زندگی روزمره هستند. نکته قابل توجه فیلمنامه اثر جدید مهدویان دوری او از جهت گیری های مرسوم سیاسی و جبهه بندی های خاصی است که به ویژه در اثر قبلی اش رد خون شاهدش بودیم. نویسندگان فیلمنامه به درستی در مقام بی طرفی قصه خود را روایت می کنند و تصمیم گیری را بر عهده مخاطب می گذارند. و البته نکته قابل تامل تر آنکه هرچه از داستان می گذرد تلخی و بار ملودرام قصه بیشتر و بیشتر می شود (و البته همین مساله به مذاق مخاطب ایرانی که رابطه تنگاتنگی با ملودرام دارد خوش می آید). این ملودرام و تلخی البته در بطن قصه وجود دارد و دلیل آن نیز منطقی است چرا که به هر حال تراژدی جنگ و مردمانی که آسیبهای آن را به هر شکلی تحمل کردند به ویژه در این داستان که اشاره مستقیمش به ماجرای بمباران شیمیایی سردشت رد سالیهای پایانی جنگ دارد نمی تواند شکل دیگری جز ملودرام سنگین باشد. اما مساله ای که وجود



یک مستند تراژیک



مخاطبان جشنواره داشته و به جز معادی که این کار، حرکت رو به جلویی در کارنامه وی محسوب می شود، فرد دیگری از عوامل فیلم، به لحاظ هنری، از کار در این پروژه منتفع نشده است.

سینمایی که قصد جریان سازی داشته باشد، بپذیریم. تمام احترام اثر معطوف به شکل مستند آن است و به لحاظ حرفه ای باید فیلم قبلی یا بعدی ایستاده در غبار می بود. با این حال فیلم روند خوبی در جذب اقبال

در نوع خود هوشمندانه است. همان گونه که مهدویان در این فیلم، با کست جدیدی همکاری داشته، به همین نسبت این اثر در کارنامه وی با آثار قبلی اش متفاوت است. قطعا نمی توانیم آم را به مثابه یک اثر مستقل

قابل توجه فیلم است. درخت گردو از مخاطبش گریه نمی خورد و به خوبی توانسته با آکسان هایی نظیر لحظه فشردن دکمه رهاسازی آخرین بمب شیمیایی، تاثیر این اقدام را به تصویر بکشد. قدرت تعمیق و باورپذیری این مکتب های تصویری، قابل قیاس با شکل صوتی یا وصفی آن نیست. این فیلم با یک پخش درست بین المللی می تواند احقاق حق بیشتری در قبال این جنایت به عمل آورد.

در چنین پروژه ای که موتیف های سینمایی آن چندان پررنگ نیست، تنها نکته بارز، عواملی فراتر از فرم و فیلمنامه هستند. فیلمبرداری کار، ظرافت هایی دقیق دارد گرچه در سکانس هایی، فاصله اش را با آدمها حفظ نمی کند. گرچه فرامتن هم عمل نمی کند. تدوین خوب است. شخصیت پردازی شخم نمی خورد. ما در این فیلم تنها یک تیپ داریم (پیمان معادی) که آنچه می بینیم، بیشتر حاصل خلاقیت های فردی اوست که به خوبی توانسته از عهده این نقش سخت برآید و اثری متفاوت در کارنامه هنری او محسوب می شود.

چارت ورود و خاتمه دادن به این روایت



مجیدی اردشیری

جدیدترین ساخته محمدحسین مهدویان، برخلاف دیگر کارهای او، از امری محتوم حکایت می کند. آدمهایش مخیر نیستند و دستشان در برابر ایدئولوژی خالی است. بیشتر به تراژدی طعنه می زند و به همین دلیل در برابر هسته مرکزی داستان که دست تقدیر است، چندان پشتوانه داستانی ندارد. البته ضدقصه هم نیست. بیشتر شرح حالی است که مخاطب را در جریان عمق فاجعه قرار دهد. وجه مستندش خیلی پررنگ است اما چون اسلوب دیالوگ نویسی را به خوبی رعایت کرده، درامی داستانی نشان می دهد. بنابراین با چنین فرمولی نباید از این فیلم انتظار تعلیق یا عطف داستانی را داشته باشیم.

مرز دقیقی که میان شکل اسنادی و ترحم خواهی وجود دارد، از جمله امتیازهای

در نشست خبری فیلم آن شب چه گذشت؟



کورش آهاری: این فیلم ادای دینی به شاینینگ است!

داشته باشیم یک فیلم متفاوت دیدیم. این فیلم در ژانر وحشت است و به سایکو درام نزدیک می‌شود، اما شخصیت‌ها ایرانی هستند و ما به آن‌ها نزدیک می‌شویم. این فیلم از سویی به دنبال فخر فروشی در پردازش تصویر یک کشور خارجی نیست و نمی‌خواهد از موقعیت مکانی خود یعنی آمریکا برای جذابیت استفاده کند. البته که این فیلم ادای دین به شاینینگ کوپریک هم هست.

درمنش درباره بحث مالکیت فیلم و تولید مشترک سینمایی، گفت: اگر در آینده در سینمای ما فرصت تولید اثر با حضور تیم‌های گسترده و چند سرمایه‌گذار وجود داشته باشد فیلم‌ها به پختگی بیشتری می‌رسند و سینمای ما پیشرفت خواهد کرد. این فیلم قرار بود مخاطب جهانی داشته باشد و ما تلاش کردیم به ترکیب خوبی از عوامل فیلم برسیم که بتوانیم

نشست خبری فیلم «آن شب» به کارگردانی کورش آهاری با حضور کارگردان، میلاد جرموز (نویسنده)، محمد درمنش (تهیه کننده)، صبا واحدی (جانشین طراح صحنه)، شهاب شهرزاد (منتقد)، با اجرای محمدرضا مقدسیان روز گذشته پانزدهم بهمن ماه در پردیس سینمایی ملت برگزار شد.

کورش آهاری در پاسخ به این سوال که فیلم ساختن در آمریکا چه تفاوتی با ایران دارد؟ گفت: من درباره فیلمسازی در ایران اطلاعات کمی دارم. بخش ساده فیلمسازی در آمریکا آن است که نیاز به مجوز ساخت و نمایش نیست. اما قوانین محدود دیگری مثل اندازه معین در استفاده کودک در زمان فیلمبرداری و غیره که کار را کمی سخت می‌کند، وجود دارد.

شهاب شهرزاد منتقد حاضر در جلسه نیز درباره این فیلم گفت: اگر بخواهیم نگاه ژانرشناسی

درمنش در پاسخ به چرایی غیبت شهاب حسینی در نشست فیلم گفت: شهاب حسینی مشغول فیلمبرداری یک فیلم در خارج از کشور است؛ اما در اکران روز نوزدهم بهمن ماه حضور خواهد داشت.

داشته باشد. نسل جدید ایرانی‌های آمریکا دوست دارند به مردم خودشان ادای احترام کنند و البته ما می‌خواستیم چهره مردم ایران را در آمریکا نشان بدهیم که زندگی خیلی لوکسی ندارند.

در نشست خبری فیلم «درخت گردو» چه گذشت؟

محمدحسین مهدویان: در ابتدای کار زبان و جغرافیای فیلم برای من ناآشنا بود

آن نگران بود ما در حین فیلمبرداری بسیار به درآمدن لهجه توجه داشتیم و نتیجه قابل قبول از آب درآمد.

مهران مدیری در ابتدا به بازماندگان حادثه سقوط هواپیما تسلیت گفت و جای پیمان معادی را خالی کرد و بیان داشت: من در سال ۶۶ در سردشت حضور داشتم و تقریباً بخش بزرگی از این اتفاقات را از نزدیک دیدم. دوستی من با کارگردان، تهیه‌کننده، پیمان و همچنین موضوعی که خاطرات بسیاری را برای من زنده کرد در کنار اینکه من عاشق مردم مهربان و آدم حسابی کرد هستم دلایلی بودند که نمی‌توانستم در فیلم حضور نداشته باشم. دوست داشتم به کسانی که در دوران جنگ با مهربانی میزبان ما بودند ادای دین کنم.

فیزیکی و روحی مراقبت می‌شدند. همچنین گریم بازیگران جزو چالش‌های فیلم بود. ما در صحنه‌هایی که حیوانات را نشان دادیم از دامپزشکانی استفاده کردیم که بدون آسیب زدن به حیوانات صحنه‌های باورپذیر شیمیایی شدن را به تصویر بکشیم. سعی‌مان بر این بود که عمق فاجعه را بتوانیم روی پرده سینما به تصویر بکشیم.

او درباره حضور پیمان معادی و مهران مدیری در فیلم توضیح داد: فیلم موضوعی انسانی دارد که فراموش شده اما می‌تواند در جوامع بین‌المللی نمایش داده شود و کارکرد مثبتی داشته باشد. حضور پیمان معادی به عنوان یک بازیگر بین‌المللی می‌تواند به این مهم کمک کند. لهجه فیلم از نکاتی بود که پیمان درباره

فیلمبرداری، حبیب خرابی فر (موسیقی)، بهزاد جعفری (طراح صحنه و لباس)، ایمان کرمان (جلوه‌های ویژه میدانی)، امین پهلوانزاده (جلوه‌های ویژه بصری) و خسرو نقیبی (منتقد) با اجرای محمدرضا مقدسیان عصر گذشته پانزدهم بهمن‌ماه در پردیس سینمایی ملت برگزار شد.

مهدویان در ارتباط با دشواری کارگردانی و فضاسازی «درخت گردو» توضیح داد: این فیلم نسبت به فیلم‌های قبلی‌ام از چند جهت دشواری‌های بیشتری داشت. زبان، فرهنگ و جغرافیای فیلم برای من ناآشنا بود و باید این آشنایی صورت می‌گرفت. کارکردن با سه بچه کوچکی که بازی‌های سختی هم داشتند از این جهت سخت بود که باید به لحاظ



(فیلمنامه‌نویسان)، سیدمصطفی احمدی (تهیه‌کننده)، مینو شریفی، مینا ساداتی، مهران مدیری (بازیگران)، هادی بهروز (مدیر

نشست خبری فیلم سینمایی «درخت گردو» به کارگردانی محمدحسین مهدویان با حضور کارگردان، ابراهیم امینی و حسین حسینی

در نشست خبری فیلم «دوزیست» چه گذشت؟

برزو نیک‌نژاد: سعی کردم خیلی از واقعیت‌ها را نگویم!



گفت: خوشحالم که در این نقش بازی کردم. پیشنهاداتی که در سال به من می‌شود اکثراً ژانر کمدی است و حضور در این نقش و فیلم برای من تجربه متفاوتی بود.

جمشیدی با اشاره به تاثیر تئاتر روی بازیگری‌اش افزود: بازی در تئاتر بسیار سخت است، من تجربه حضور در سی تئاتر را داشته‌ام کرد و این تجربه از من آدم و بازیگر دیگری ساخت.

نیک‌نژاد نیز با بیان اینکه از نتیجه کار راضی هستم در مورد فیلم «دوزیست» اظهار کرد: سعی کردم در این فیلم خیلی از واقعیت‌ها را نگویم. همه ما حرف‌های زده زیادی داریم و جبر زندگی آدم‌ها را مجبور می‌کند دوزیست‌وار زندگی کنند.

این فیلم تماشاگرش را فریب نمی‌دهد بلکه به مخاطب نشانی می‌دهد و این نشانه‌ها در دیالوگ‌ها نیز بیان می‌شود. شخصیت حمید در ظاهر فیلم نیز دروغ می‌گوید و نشانه‌های مختلفی با خود همراه دارد. در این فیلم جزئیات زیاد است. می‌توان گفت که «دوزیست»، فیلم مراقبت است و در همه بخش‌ها این مراقبت نشان داده شده‌است.

او با اشاره به بازیگران این فیلم افزود: آشنایی‌زدایی از بازیگرها از دیگر ویژگی‌های مثبت فیلم «دوزیست» است.

مدقق خطاب به نیک‌نژاد خاطر نشان کرد: به نظرم برزو می‌توانست فیلم «لانه زنبور ۲» را نیز بسازد.

جمشیدی نیز در خصوص نقش‌اش در فیلم

نشست خبری فیلم «دوزیست» به کارگردانی و نویسندگی برزو نیک‌نژاد با حضور کارگردان، سعید خانی (تهیه‌کننده)، علی برازنده (مدیر فیلمبرداری)، جواد عزتی، هادی حجازی فر، پژمان جمشیدی، ستاره پسیانی و الهام اخوان (بازیگران) امیرحسین قدسی (طراح صحنه)، مهدی سعدی (تدوین)، ملودی اسماعیلی (طراح لباس) و حمیدرضا مدقق (منتقد) با اجرای محمدرضا مقدسیان امشب روز گذشته در پردیس سینمایی ملت برگزار شد.

در ابتدا منتقد حاضر در نشست، تصریح کرد: برای دومین بار فیلم را دیدم و به این نتیجه رسیدم که «دوزیست» فیلمی با پایان غافلگیر کننده‌است و مخاطب را شگفت زده می‌کند.

خبر

دشواری های تحقق بخش در آمدی
حوزه شهرداری

معاون معماری و شهرسازی شهرداری تهران گفت: تحقق بخش در آمدی در حوزه شهرداری سخت است، اما امیدواریم این رقم را بتوانیم محقق کنیم.

به گزارش دنیای هوادار، عبدالرضا گلپایگانی - معاون معماری و شهرسازی شهرداری تهران در خصوص تحقق پذیر بودن بودجه سال ۹۹ شهرداری در حوزه شهرداری گفت: قرار بود سهم شهرداری در درآمدهای شهر تهران زیر ۵۰ درصد باشد و بودجه امسال ۳۰ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان است و سهم شهرداری از این بودجه بیش از ۱۳ هزار میلیارد تومان؛ یعنی حد نصابی که در برنامه پنج ساله مشخص شده، رعایت شده است. هر چند با توجه به وضعیت ساخت و ساز و رکودی که شاهدش هستیم، شاید مقداری تحقق ۱۳ هزار میلیارد خوشبینانه باشد.

وی ادامه داد: امکان تحقق چنین در آمدی از حوزه شهرداری سخت است. طی بررسی های آماری که از تحولات حوزه مسکن در ۲۰ سال گذشته انجام داده ایم، مشخص شده رکودهای طولانی در حوزه مسکن دوره های ۵-۴ ساله بوده و پس از چنین رکودهایی، شاهد یک جهش بودیم. معاون شهرداری تهران اضافه کرد: این جهش ها از این جهت که تأمین مسکن برای کم درآمدها را دشوار می کند، بد است اما واقعیت آن است که اگر چنین اتفاقی رخ دهد و عوامل غیرقابل پیش بینی در سال ۹۹ که خارج از کنترل باشد، رخ ندهد، این جهش می دهد بر سودآور تر شدن ساخت و ساز و تمایل و اقبال بیشتر برای گرفتن پروانه ساخت، ایجاد کند بنابراین پیش بینی ما رقم کمتری از عددی است که در بودجه آمده اما فاصله زیادی هم ندارد و امیدواریم بتوانیم این رقم را محقق کنیم.

خبر

اجرای هزار پروژه محله محور
تا پایان ۹۹ در تهران

معاون شهرداری تهران با بیان اینکه یکی از محورهای پرنرگ برنامه بودجه سال ۹۹، پروژه های محله محور هستند، گفت: برای این پروژه ها حدود ۲ هزار میلیارد تومان بودجه در نظر گرفته شده که حدود هزار پروژه محلی را در سال ۱۳۹۹ پوشش می دهد.

به گزارش دنیای هوادار به نقل از شهرنوش، حامد مظاهریان در مراسم افتتاحیه پروژه تونل زیرگذر خیابان های آزادی و استاد معین، با بیان اینکه یکی از محورهای پر رنگ برنامه بودجه سال ۹۹، پروژه های محله محور هستند، گفت: پروژه های محله محور در مقیاس کوچک هستند که توسط شوراباران و اهالی عارضه یابی می شوند و هدف آن رفع نواقص محلی است. همچنین پاسخگویی در بازه های کوتاه چند ماهه نیز از جمله دیگر ویژگی های این پروژه است. بودجه در نظر گرفته شده برای این پروژه ها حدود ۲ هزار میلیارد تومان است.

وی هدف از اجرای این پروژه ها را ارتقاء کیفیت زندگی در محله دانست و گفت: از امروز تا پایان سال جاری، برای اجرای ۱۰۹ پروژه برنامه ریزی شده است. پیش بینی می شود که این دو هزار میلیارد، حدود هزار پروژه محلی را در سال ۱۳۹۹ پوشش دهند.

معاون برنامه ریزی، توسعه شهری و امور شوراهای شهرداری تهران با تأکید بر اینکه این اقدام تمرین دموکراسی در شهر برای همگان است، گفت: اگر خانواده را کوچک ترین نهاد جامعه بدانیم، محله بنیادی ترین سلول شهر است. شنیدن حرف شهروندان و حل مشکلات آن ها از جمله اهداف مدیریت شهری در سال آینده است. تصور می کنم با پروژه هایی که از همین امروز آغاز خواهد شد دفتر توسعه محلی نقش بسیار پر رنگی را به منظور شناسایی و تبدیل عارضه ها به طرح ایفا می کنند.



مهدی حاجی قاسمی، معاون شهرداری تهران. در این تصویر، او در حال سخنرانی در یک جلسه است.

رسولی خبر داد:

کرج صاحب هتل می شود

حدود ۳۱۰ واحد پارکینگ عمومی نیز تأمین کرده است و در این راستا به شهرداری کرج اجازه داده می شود به جهت رفع معضل چندین ساله مجتمع مذکور و ادامه روند تکمیل بنای هتل بصورت دو طبقه هتل، یک طبقه لابی و یک طبقه پارکینگ با اخذ مصوبه کمیسیون ماده ۵ و رعایت سایر ضوابط مورد نیاز ضروری شهر نسبت به اخذ خدمات تعداد ۲۴۹ واحد پارکینگ عمومی که در اجرای عملیات ساختمانی حذف شده به قیمت زمان تخلف اقدام شود.

رئیس کمیسیون شهرسازی، معماری و بافت های فرسوده شورای شهر گفت: پس از بحث و بررسی مجدد لایحه شهرداری مشروط بر پرداخت جریمه کسری پارکینگ با حداکثر

رئیس کمیسیون شهرسازی، معماری و بافت های فرسوده شورای شهر گفت: با حمایت شورا و شهرداری از سرمایه گذار بخش خصوصی، کرج صاحب هتل می شود.

به گزارش دنیای هوادار، احد رسولی گفت: بررسی لایحه شهرداری در خصوص رسیدگی به پرونده ساخت هتل توسط بخش خصوصی باتوجه به شرح اقدامات انجام شده و گردش کار پرونده توسط اعضاء کمیسیون بررسی شد.

وی با اشاره به متن لایحه شهرداری افزود: مالک و سرمایه گذار به جهت رفاه عموم مردم و مراجعین علاوه بر پارکینگ های مورد نیاز تعداد

مهدی حاجی قاسمی خبر داد:

مخالفت با راه اندازی سازمان حمل و نقل بار

به گزارش دنیای هوادار، مهدی حاجی قاسمی در چهل و دومین جلسه کمیسیون عمران، حمل و نقل و ترافیک گفت: بالا بودن هزینه تعمیر و نگهداری ناوگان اتوبوس های شهری و تأمین اتوبوس مورد نیاز برای خطوط تحت پوشش همواره از چالش های مهم شورای شهر و شهرداری و سازمان حمل و نقل و مسافر است. این مسئول با بیان اینکه استفاده از توان بخش خصوصی در این موضوع صرفه جویی های زیادی برای شهرداری خواهد داشت، گفت: علی رغم اینکه طی سال جاری تعدادی از اتوبوس های فرسوده سازمان در حال بازسازی است و تعداد دیگری از اتوبوس ها بدلیل فرسودگی متوقف دائم می باشند و به علت کمبود منابع مالی شهرداری امکان راه اندازی آن به تعداد مورد نیاز وجود ندارد استفاده از ظرفیت سرمایه گذاران بخش خصوصی برای فعال سازی اتوبوس ها و راه اندازی مجدد ناوگان مستهلک برای شهرداری بسیار مقرون



مهدی حاجی قاسمی، معاون شهرداری تهران. در این تصویر، او در حال سخنرانی در یک جلسه است.

فاز اول مسکن ملی در ۱۳ شهر جدید آغاز شد

شده اند و قرار است در فاز نخست ۱۳ شهر جدید عملیات احداث این واحدهای مسکونی انجام شود. مدیر عامل شرکت عمران شهرهای جدید در پاسخ به این سوال که میزان آورده متقاضیان مسکن ملی در شهرهای جدید چقدر خواهد بود گفت: میزان آورده متقاضیان مسکن ملی در شهرهای جدید در فاز نخست ۴۰ میلیون تومان است و متقاضیان واجد شرایط با افتتاح

شهرهای جدید دستور نقشه ها صادر شده و با انجمن انبوه سازان وارد مذاکره شده ایم. طاهرخانی در پاسخ به این سوال که در فاز نخست طرح اقدام ملی مسکن چه تعداد مسکن در شهر جدید احداث خواهد شد گفت: متقاضیان واجد شرایط طرح اقدام ملی مسکن با پیامک از تایید صلاحیت و واجد شرایط بودن خود آگاه می شوند. در شهرهای جدید ۴۵ هزار نفر واجد شرایط شناخته

معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت عمران شهرهای جدید از شروع فاز اول ساخت مسکن ملی در ۱۳ شهر جدید خبر داد.

به گزارش دنیای هوادار، حبیب الله طاهرخانی با بیان اینکه ۴۵ هزار نفر در ۱۳ شهر جدید واجد شرایط طرح اقدام ملی مسکن شناخته شده اند گفت: برای ساخت مسکن ملی در



حرف آخر

تنها نماند «عدالت»



مدیرمسئول

بارها در این جریده سعی کرده ایم همانگونه که قلم تند انتقاد را برای مسئولانی که قدر خدمت به این مردم کم نظیر را نمی دانند بر کاغذ بطلانیم، در مدح و تشویق خادمان شهر و دیارمان هم دست و دلی فراخ داشته باشیم و اگر از مسئولی خدمتی شایسته می بینیم تجلیلی بایسته روانه اش کنیم. هرگز در نقد مسئولان از صراط انصاف خارج نشده ایم و آنچه بوده را بدون حب و بغض و فارغ از آنچه قرار است بر ما رود به حکم رسالتی که این قلم بر دشمنان گذاشته فریاد کرده ایم و به همان نسبت در رصد شایستگی شایستگان در سمت های اجرایی و قضائی دور از انصاف دیدیم اگر صدای بلند و قلمی رسا بر تشویق و ترغیب نگشاییم. این را بر خود فرض می دانیم که صدای مظلوم باشیم تا بر ظالم فریادش کنیم و

اگر دستگیری در این میانه پیدا شد که مردمان را یاری دهد هر جا که باشد دستش ببوسیم و این را افتخارمان دانیم. این رویه را تا به امروز داشته ایم و با همه مسائل و مصائبی که برایمان به وجود آورده هرگز ترک نکرده و نخواهیم کرد؛ چرا که نیک می دانیم اگر از مصائب این راه بترسیم خیانت به رسالت قلم و وظیفه مطبوعاتی خود کرده ایم و هم در پیش وجدان خویش و هم دیدگان خوانندگانمان شرمسار خواهیم بود. بر این مدار هست که هر بار فرصت اجازت دهد و انسان ارزشمندی را در کسوت مسئول حائز تشویق و ترغیب بدانیم بدون هیچ چشمداشتی بر دست می گیریم و بزرگش می داریم تا مردم بدانند و خادمانشان را بهتر بشناسند و قدر و ارج نهند که شکر نعمت نعمتش افزون کند. بر همین صراط اینبار می خواهیم یکی از پرتلاش ترین و سلامت ترین فرزندان این شهر و دیار را معرفی کنیم که اقتدار و صلابت و عدالت رایی بی مثال دارد و در سمتی بسیار حساس در استان چوگان مجاهدین فی سبیل الله کمر به خدمت خلق و رضایت خالق بسته و بی هیچ چشمداشتی آن کرده و می کند که جز اوج خدمت نمی شود

بر آن نام نهاد. سخن از فرزند نیک و عادل شهرمان، علی اکبر مختاری، مدیرکل تعزیرات حکومتی استان البرز است که ثابت قدم و فساد ناپذیر در مقابل همه تخلفات و فسادها ایستاده و ملاحظه هیچ مقام و منصب و کسوت و جناحی را هم نمی کند و صغیر و کبیر فساد برایش فرقی ندارد و برای ریشه کنی مفسده کمر همت بسته است جوری که صدای برخی از افراد خاص که انتظار عنایات ویژه را داشتند در آورده و حالا می خواهند بعضا با پنهان شدن پشت نامهای انقلابی و مقدس بر این مجاهد خاکریز مقابله با فساد و حراست از عدالت از طریق تریبون هایی که دارند هجوم بیاورند تا ایشان را مرعوب کنند.

اما هیبت که ایشان نمی دانند با مردی از جنس مجاهدان فی سبیل الله طرف هستند که آنچه دارند بر طبق اخلاص نهاده و بر سر پیمان با عبد و معبود بر سبیل جاهدانه اقتدا به شهید عدالت مولای متقیان کرده اند و قطعا در این راه محال است که از حق مردمی که به عدل او چشم بسته اند دست بردارد.

البته این مدیر هم همچون بسیاری دیگر معصوم نبوده و ممکن است با وجود شرایط این روزهای کشور در حوزه کاری خود نتواند بر همه مشکلات فائق آید، اما اطمینان داریم تمام تلاش خود را به کار



گرفته است تا از حق مردم دفاع شود و ای کاش برای احقاق حقوق مردم چندین مختاری وجود داشت. وقتی از چنان مردی می شود که اینچنین برای عدالت در شهر و دیارمان ایستاده و تمام دغدغه اش احقاق حقوق پایمال شده مردم در پرونده های فساد است کمترین چیزی که از قلم می شود انتظار داشت چرخش برای استعدای یاری چنین یآوری هم از سوی مردم است و هم مسئولان. بالاخص رئیس قوه قضائیه که آمدنش طلیعه مبارزه تمام عیار با مفسدان را در دل ها زنده کرده است و همانا ایشان می تواند دستگیری کند این مرد بزرگ

و عدالتخواه شهرمان را که بودنش اسباب خیر کثیر و جاریه بوده و از مواهب عدالت گستری اش کوچک و بزرگ شهرمان بی نصیب نمانده اند. امید است این دست نوشته اسباب همیاری و همراهی و همکاری بیشتر زعمای قوه قضائیه با این نیکمرد شهرمان را ایجاد کند و حال که ایشان بدون ترس از نام اشخاص و ... بر همان صراط همیشگی عدل و قسط که بوده می خواهد گام بردارد بر دست گرفته شود و گرامی داشته شود و یاری شود تا چراغ امید به عدالت در این دیار تشنه عدالت کماکان پر سویمانند.



وقایع ۱۶ بهمن از ایام الله دهه فجر

روز ۱۶ بهمن و تعیین دولت موقت خمینی در روز ۱۶ بهمن طی فرمانی مهدی بازرگان را به عنوان نخست وزیر موقت تعیین و معرفی کرد. عصر همان روز در سالن سخنرانی مدرسه علوی یک مصاحبه مطبوعاتی بین المللی ترتیب داده شد، در این جلسه بازرگان برنامه و وظایف دولت موقت را تشریح کرد و افزود بر گزاری همه پرسى درباره تغییر رژیم، بر گزاری انتخابات مجلس موسسان و انجام انتخابات مجلس از وظایف این دولت است.

